Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۹۷۵
شنبه / ۱۲ اردیبهشت / ۱۴۰۵
۱۴ / ذوالقعده / ۱۴۴۷
2 / May / 2026

صاحب‌امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: ابافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۳۸۲۸-۳۲۵۳۴۳۴۳-۰۲۶۰ دکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

فال ۲۲۲ امروز با حافظ

سالک از نور هدایت ببرد راه به دوست
که به جایی نرسد گر به ضلالت برود
کام خود آخر عمر از می و معشوق بگیر
حیف اوقات که یک سر به بطالت برود

طرافه

اگر می‌شد صدا را دید
چه گل‌هایی
چه گل‌هایی
که از باغ صدای تو
به هر آواز می‌شد چید
اگر می‌شد صدا را دید

شفیعی کدکنی

اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۳:۳۸	۰۵:۱۲	۱۲:۰۳	۱۸:۵۵	۱۹:۱۴

برگه

من هیچ استعداد خاصی ندارم. فقط از روی علاقه کنجکاوم...

آلبرت اینشتین

گزارش روز

زدن این گل، گل به خودی است!

مصرف ماده مخدر «گل» میان دانشجویان ایران در حال عادی شدن است؛ مادمای که با وعده تمرکز و شادی، جوانان را گرفتار اعتیاد و اختلالات روانی می‌کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، «یکی از شبهای سرد زمستانی، در راهروی منتهی به اتاق های خوابگاه، با دو دانشجو روبه‌رو شدم که در کنار یک دیگر ایستاده بودند، اما انگار در دنیای دیگری سیر می کردند. از رفتارهای نامتعادل و نگاه‌های مات‌شان می‌شد فهمید حالت عادی ندارند. چیزی مصرف کرده بودند؛ مادمای که این روزها نامش در میان دانشجویان زیاد شنیده می‌شود: «گل».

این مـاده، آن دو را به موجوداتی گیج و ناتوان تبدیـل کرده بود به حدی کـه حتی توان بالا رفتن از پله‌ها را نداشـتند. هر بار که با زحمت پایشان را روی پله اول می گذاشتند، انگار سطحی لغزنده باعث می شد سر بخورند و دوباره به پایین برگردند. یکی از آن ها به دیگری تکیه داده بود و هر دو همدیگر را محکم در آغوش گرفته بودند به طوری که انگار دستان حلقه شده اشان، تنها راه نجاتی است که مانع از سقوط آن ها در دره نامریی می شود. ترس، اضطراب و آشفتگی، در صورت‌هایشان موج می‌زد».

همین روایت مذکور در خوابگاه، عاملی شـد تا پایم به گزارشـی درباره مصرف «گل» در میان دانشـجویان و جوانان باز شـود. گزارشی برای فهمیدن آنچه پشت این نگاه‌های مات و قدم‌های لرزان پنهان شده است و به همین خاطر تصمیم گرفتم به سراغ کسی بروم که بتواند از نزدیک ترین زاویـه، ابعاد مختلف این ماجرا را برایمان روایت کند؛ کسـی که خودش فروشنده ماده مخدر گل است.

گل و بازار آن

بـا یک تمـاس تلفنی کوتاه و خیلی سـریع، قرار ملاقات را بـا او تنظیم کردم و روز بعد، در حوالی یکی از خیابان‌های نزدیک دانشگاه تهران منتظرش شدم. در ذهنم که مملو از کلیشه‌های سریالی بود، تصور می کردم باید با فردی شبیه یک قاچاقچی، بـا صورتی خشـن و احتمالاً سـال‌خورده، روبه‌رو شوم؛ اما کاملاً برخلاف آن چیزی که فکر می کردم، با یک جوان لاغراندام و پریشان روبه‌رو شدم که بیشتر شبیه یک دانشجو بود تا فروشنده گل! با دیدنم، به سمتم می‌آید و روی نیمکت می‌نشـیند، دستی به موهایش می‌کشـد و با صدایی که خیلی واضح به گوش نمی‌رسد، بی‌مقدمه می‌گوید: «من معمولاً همین سمت‌ها به بقیه گل تحویل می‌دم.» می‌پرسم: «دانشـجویی؟» نگاهش را به مـن می‌دوزد، شانه‌هایش را بالا می‌اندازد و جواب می‌دهد: «یه زمانی بودم؛ حالا بیشتر وقتم به خاطر کارم اینجا می‌گذره».

در همین گفت‌وگوی سـاده، تکان‌های عصبی پاهایش و نـگاه مقطربش به اطراف توجهم را جلب می‌کند. همین اضطراب، بی‌آن‌که اجازه بدهد مکث کنم، مرا به سـمت اولین سـؤال هـل می‌دهـد: از او می‌پرسـم: «این گلی که شما دست دانشجوها می‌دین، انواع خاصی هم داره؟» می‌گوید: «گل معمولاً از مرزهای شرقی کشـور وارد می‌شه و بین مشتریای من ـ بدون در نظر گرفتن سن‌های پایین‌تر ـ که اکثرشون دانشجو هستن، دو نوع محبوبیت خیلی زیادی داره. اسم‌های متفاوتی هم دارن، البته تفاوتشون بیشتر تو واکنش‌های بعد از مصرفه. مثلاً یه نوع هست که بیشتر سرحال کنندهست و به جویایی سر کیفت میاره، نوع بعدی هم بیشتر افسرده و گوشـه‌گیرت می‌کنه؛ بعد از مصرفش انگار همه غمای عالم میاد تو دلت می‌شینه. این‌که کدومش رو باید انتخاب کنی، بیشتر بستگی به حال‌وهوای خودت داره».

با شـنیدن کلمه «سـن‌های پایین‌تر» ازش می‌پرسم: «مشـتری‌هایی که سنشون زیر ۱۹ سـاله هم دارید؟» بلافاصله می‌گوید: «آره، کم نیستن.» با دیدن صورت متعجبم، سریع اضافه می‌کند: «اگه سـؤالتون اینه که چرا بچه‌های نوجووِن گل می‌کشن، باید بگم من خیلی درباره انگیزه مصرف مشتریام نمی‌پرسم؛ اما بعضیاشون گفتن برای خلاص شدن از فشار درس و کنکور رو آوردن بـه مصـرف گل. بعضی‌ها هم فکر می‌کنن با کشیدن گل می‌تونن بیشتر و بهتر روی درسشون تمرکز کنن».

تمرکز! ازش درباره صحت این شایعه می‌پرسم. با یه پوزخنـد می‌گه: «این یـه دروغ تجاریه! دقیقاً مثل این می‌مونه که بخوای یه محصول رو بفروشی و مجبور باشـی براش مارکتینگ کنـی و از خوبیاش بگـی. خب اگه محصولت چیز دندون‌گیری نداشته باشه، مجبور می‌شی نیاز جامعه رو بسـنجی و به دروغ به بازار بگی محصولت می‌تونه اون نیاز رو تأمین کنه. این‌که امروز مردم، مخصوصاً نسـل جدید، مشـکل تمرکز دارن یه واقعیته؛ اما این‌که کشیدن گل بتونه تمرکز رو بالا ببره، دروغه. شـاید اولش یه حس تمرکز بهت بده، ولی اون فقط یه توهمه و کم‌کم باعث وابسـتگیت به مصرف این ماده مخدر می‌شه».

کمی بیشتر درباره مشتریاش صحبت می‌کند و ادامه می‌دهد: «من کوچک‌ترین مشتریم یه پسر ۱۳ ساله بود که دوستاش بهش گفته بودن اگه گل بکشه می‌تونه باهاشون دوست بمونه و بهش لقب‌هایی مثل "مقبول‌قلندر" و "امل" داده بودن. این بچه هم برای این‌که از شر این القاب خلاص بشه، شروع کرده بود به کشیدن گل. اما بیشتر مشتریای من از دانشگاه‌ها هستن؛ دانشجوهای دانشـگاه‌های برتر کشـور. خیلی از مشتریام رتبه‌های تک‌رقمی کنکور دارن و بیشترشون هم فقط به دلیل برای مصرف این ماده مخدر میاِن؛ این‌که ما جوونیم و می‌خوایم خوشحال باشیم و خوش بگذرونیم!»

کمی مکث می‌کند و می‌گوید: «من یادمه یکی از مشتریام، یکی از بهترین دانشجوها تو بهترین دانشگاه کشور بود. بعد از مصرفـ، کم‌کم وایسته، یا بهتره بگم معتاد شـد و بعد از این‌که سه ترم نمره قبولی لازم رو نیاورد، مشـروط شـد و در نهایت از دانشگاه اخراجش کردن».

نفس عمیقی می‌کشـد و بی‌آن‌که من سؤالی بپرسم، ادامه می‌دهد: «این‌که می‌بینم هر سال به تعداد مشتریام اضافه می‌شه یا درخواستشون برای مصرف بیشتر می‌شه، فقط به چیز رو نشون می‌ده؛ این‌که مصـرف گل برای جامعه تبدیل شده به یه امر کاملاً طبیعی و دیگه قبحی نداره، درست مثل سیگار کشیدن».

گل؛ بلیت ورود به جمع‌های دانشجویی

بعد از گفت‌وگو با فروشنده، برای ادامه کنجکاویم می‌رم سـراغ «محدثه»، یکی از دانشـجوهای دانشکده حقوق دانشگاه تهران. تا علت افزایش مصرف این ماده مخدر بین دانشجوها رو از زبون خودشون بفهمم. حرف‌هایی رو که فروشنده زده بود، رابرایش تعریف می‌کنم و ازش می‌پرسم این گفته‌ها چقدر درسته. اولش یه تکون کوچیک به سرش می‌ده و در تأیید حرف‌های فروشنده می‌گه: «این کاملاً درسـته که مصرف گل بین بچه‌های دانشگاه عادی شده؛ اصلاً انگار به جور مقدمه برای پذیرفته شدنه. تو بعضی جمع‌های دوسـتانه، برای این‌که بتونی واردشون بشی و به‌عنوان دوست پذیرفته بشی، باید گل مصرف کنی. اگه دوست نداشته باشی گل بکشی یا این کار رو نکنی، قطع به عاقبت در انتظارتونه؛ این‌که جایی تو اون گروه دوستی نداری».

بهش می‌گم مصرف نکردن گل باید خیلی مهم‌تر از پذیرفته شدن تو جمع‌های دانشجویی باشه و نباید این‌قدر به‌عنوان اهرم فشار روی دانشجوها سنگینی کنه. اما حرفم رو رد می‌کنه و می‌گه: «این‌که نخوای با بچه‌ها دوست بشی و از جمع کنار بکشی، اون هم تو یه دوره چهارساله، خیلی سخته. ما اغلب دوران دانشگاه رو بهترین دوره جوونیمون می‌دونیم. این‌که بپذیری هیچ دوستی نداری و از اون طرف کسی هم نمی‌خواد باهات دوست بشه، اصلاً کار ساده‌ای نیست و فقط تو حرف راحته برای همین یا بچه‌ها شانس میارن و آدم‌هایـی رو پیدا می‌کنن که اونا هم مخالف مصرفن، یا به اجبار می‌رن سمت گروه‌هایی که گل کشیدن یکی از واجبات پذیرفته شده».

بلافاصلـه ادامه می‌دهد: «البته این‌که فقط بگیم همین عامل دانشـجوها رو هل می‌ده سـمت مصرفـ، اشتباهه. عامل‌های دیگه‌ای هم هست؛ مثلاً این‌که دانشـجوها برای فرار چندساعته از درس و مشکلات جامعه، گل مصرف می‌کنن تا به قول خودشـون به مدت بی‌خیال باشن. یا تبلیغاتی کـه تو فضای مجازی می‌بینیم؛ مثل توییتر، که توش از تجربه‌های کوتاه‌مدت به‌ظاهر مثبت مصرف گل می‌گن یا ویدئو منتشر می‌کنن که مصرف گل رو طبیعی نشون می‌ده و جوری حرف می‌زنن که انگار اعتیاد بهش هیچ مشکلی نداره. حتی بعضی وقتا گل کشیدن رو به‌عنوان یه لایف‌استایل دانشجویی معرفی می‌کنن و آدم با دیدنشون با خودش می‌گه مصرف گل کاملاً عادیه و حتی بی‌خطره».

حرفش رو نصفه رها می‌کنه. نگاهش رو می‌دوزه بـه زمین و ادامه می‌ده: «به نظر من، مهم‌ترین عامل ارزون بودن نسـبی گل و در دسـترس بودنشه. بین بچه‌ها، چه تو دانشگاه چه خوابگاه، کسانی هستن که گل رو نسبت به بقیه مواد با قیمت پایین‌تری می‌فروشن. حتی اگه این آدما هم نباشن، کافیه یه سـر به پارک‌های اطراف دانشـگاه بزنی؛ کمتر از یه ربع، سـه نفر میان بهت پیشنهاد خرید گل می‌دن و خیلی راحت می‌تونی ازشون بخری».

وقتی ازش درباره قیمت می‌پرسم، می‌گه هر رول بالای ۲۰۰ هزار تومنه. بعد ازش می‌پرسـم آیا دانشجوها از عوارض خطرناک و مرگبار مصرف گل خبر ندارن؟ محدثه دست‌هاش رو تو هم قفل می‌کنه و می‌گه: «نه این‌که نمونن؛ می‌دونن، ولی باور نمی‌کنن. این باور بی‌خطر بودن یا کم‌عارضه بـودن گل آنقدر بین بچه‌ها چرخیده که دیگه کسـی حال بد، گیجی، بی‌تمرکـزی، افزایش استرس و اضطراب یا حتی پاس نکردن درس‌ها به خاطر مصرف گل رو جدی نمی‌گیره».

واقعیتی از نگاه‌های مات

زمانی حرفش را که تمام می‌کند، دست‌هایش در هم قفل و نگاهش به زمین دوخته مانده است؛ گویی کاری برای جلوگیری از این بحران نمی تواند انجام دهد. از خوابگاه تا پارک‌های اطراف دانشگاه، از شروط پذیرفته شدن در جمع دوست ها تا نگاه‌های مات در راهروهای سرد، همه‌چیز به یک نقطه ختم می شـود؛ جایی که «عادی شدن» خطرناک‌ترین اتفاق رخ داده است.

براسـاس آمـار رسـمی ۱۴۸ درصـد از مصرف‌کننـدگان گل، دانشـجویان و ۳.۷ درصـد، دانش‌آموزان هسـتند و ۳۳.۳ درصد مصرف‌کننـدگان گل، بیـکار و ۵۱.۹ درصد مصرف‌کنندگان گل در گروه سـنی ۱۵ تا ۲۹ سـال هسـتند و این رقم در چند سال اخیر روند صعودی داشته است. تجربه‌ای که گاهی با کنجکاوی و هیجان همراه است، اما آثار جسمی و روانی آن نمی‌تواند نادیده گرفته شود: کاهش تمرکز و حافظه کوتاه‌مدت، اضطراب و حملات پانیک، افت تحصیلی و اختلال در روابط اجتماعی از مهم‌ترین عوارض مصرف مداوم هستند.

بـا این حال، آنچـه در میان دانشـجویان رخ بودنشه، فراتر از آمار است؛ گل نه فقط ماده‌ای برای «حال خوب» کوتاه‌مدت، بلکه ابزاری برای پذیرفته شـدن در جمع و بشتوانه‌ای برای فرار از فشـارهای تحصیلی و اجتماعی شده است. روایت‌های دانشجویان و فروشندگان، تصویری از دنیای پنهان و متناقض جوانان ارائه می‌کند؛ دنیایی که در آن هیجـان و اضطراب، آزادی و وابستگی، همزمان در هم تنیده شده‌اند. شناخت این پدیده و گفت‌وگـو درباره آن، بدون تحقیر یا انکار، می‌تواند راهی بـرای افزایش آگاهی و تصمیم‌گیری آگاهانه جوانان باز کند؛ راهی که در آن تجربه و کنجکاوی با امنیت و شناخت همراه شود و نه با خطر و اعتیاد به مواد مخدر.

آگهی ابلاغ اخطار ماده ۳۹ مکرر

بدینوسیله به شرکت طلوع اقتصاد مازند ساکن تهران خ شریعتی خ ظفر کوچه همایون پ۱۶ ط۵ واحد ۱۷ ابلاغ میگردد با عنایت به اینکه مورد وثیقه پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۰۰۰۱ که در مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰ مزایده و مقرر است به علت عدم وجود خریدار به بستانکار واگذار گردد لذا به استناد ماده ۳۹ مکرر آئین نامه اجرا میتوانید از تاریخ تنظیم صور تجلسه مزایده به مدت دو ماه نسبت به پرداخت بدهی های پرونده اقدام و از انتقال مال به بستانکار جلوگیری نمایید ضمنا چنانچه مایل به استفاده از ظرفیت مذکور نمیباشید جهت تسریع در عملیات اجرایی میتوانید مراتب اعمال ادامه عملیات اجرایی و ختم پرونده را به اداره اجرای ثبت اعلام نمایید. این آگهی یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار چاپ و عملیات اجرایی ادامه می یابد.۲۱۶۶۰۷۱

آگهی ابلاغ اخطار ماده ۳۹ مکرر

بدینوسیله به شرکت طلوع اقتصاد مازند ساکن تهران خ شریعتی خ ظفر کوچه همایون پ۱۶ ط۵ واحد ۱۷ ابلاغ میگردد با عنایت به اینکه مورد وثیقه پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۲۲۶۷ که در مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱ مزایده و مقرر است به علت عدم وجود خریدار به بستانکار واگذار گردد لذا به استناد ماده ۳۹ مکرر آئین نامه اجرا میتوانید از تاریخ تنظیم صور تجلسه مزایده به مدت دو ماه نسبت به پرداخت بدهی های پرونده اقدام و از انتقال مال به بستانکار جلوگیری نمایید ضمنا چنانچه مایل به استفاده از ظرفیت مذکور نمیباشید جهت تسریع در عملیات اجرایی میتوانید مراتب اعمال ادامه عملیات اجرایی و ختم پرونده را به اداره اجرای ثبت اعلام نمایید. این آگهی یک نوبت در یکی از روزنامه های کثیر الانتشار چاپ و عملیات اجرایی ادامه می یابد.۲۱۶۶۰۹۵

آگهی لغو تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۷/ی ع/۱۴۰۵)

بدینوسیله آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شماره ۷/ی ع/۱۴۰۵ در خصوص "اجرای عملیات خط انتقال آب به مخزن ۳۰۰۰ متر مکعبی طالقان از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی" که در مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۵ و ۱۴۰۵/۰۱/۱۷ به چاپ رسیده لغو می گردد./۲۸۶۰۱
شناسه آگهی: ۲۱۶۶۵۶۹

شرکت آب وفاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

آگهی لغو تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۹/ی ع/۱۴۰۵)

بدینوسیله آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شماره ۹/ی ع/۱۴۰۵ در خصوص "اجرای عملیات مرمت مخزن اعتبار الدوله (جابجایی مخزن) و دیوار کشی پیرامونی مخزن در محدوده امور آبفا هشـتگرد واقع در شهرستان ساوجبلاغ از محل اعتبارات طرح‌های عمرانی" که در مورخ ۱۴۰۵/۰۱/۱۵ و ۱۴۰۵/۰۱/۱۷ به چاپ رسـیده لغو می گردد./۲۸۵۹۲
شناسه آگهی: ۲۱۶۶۵۶۵

شرکت آب وفاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

آگهی لغو مناقصه عمومی یک مرحله‌ای (شماره ۲۰۸/م ع/۱۴۰۴)

بدینوسیله آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به شماره ۲۰۸/م ع/۱۴۰۴ در خصوص "اجرای عملیات شبکه توزیع آب آشامیدنی روستای لشکر آباد چهارباغ از محل اعتبارات طرحهای عمرانی" که در مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۵ و ۱۴۰۴/۱۲/۲۶ به چاپ رسیده لغو می گردد./
شناسه آگهی: ۲۱۶۶۵۷۳

شرکت آب وفاضلاب استان البرز «سهامی خاص»

آگهی شرکت در مزایده

هیئت امنای بازار آهن کرج در نظر دارد به منظور تامین هزینه های کامل محل اجرای طرح یک قطعه زمین تجاری به مساحت تقریبی ۲۰۰ متر مربع به ابعاد (۱۰×۲۰) را به مزایده عمومی با قیمت پایه ۱۴۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال معادل چهارده میلیارد و هشتصد میلیون تومان به فروش برساند. متقاضیان واجد شرایط می توانند قیمت پیشـنهادی خود را حداکثر به مدت ۶ روز کاری از روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۲/۱۲ تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۵/۲/۱۷ به دفتر هیئت امنا واقع در کرج میدان آزادگان ابتدای خیابان برغان روبروی دادگاه انقلاب اسلامی اتحادیه صنف آهن فروشان کرج تحویل و رسید دریافت نمایند.
قابل ذکر است اولویت خرید زمین مذکور با افرادی می‌باشد که بالاترین قیمت را پیشنهاد داده باشند.

هیئت امنای بازار آهن کرج